



## مبانی اخلاق جنسی در قرآن کریم\*

محمد رضا جباران<sup>۱</sup>

### چکیده:

در صورتی که کنشگر اخلاقی با مبانی اخلاق در هر یک از حوزه‌های زندگی ارتباط مناسب داشته باشد، التزام به اصول اخلاقی و احترام به هنجارهای ارزشی برای او سهل می‌شود. حوزه رفتارهای جنسی از مهم‌ترین و مسأله‌خیزترین حوزه‌های زندگی انسان است. حضور نیروی جنسی در وجود آدمی به‌گونه‌ای است که بدون ارتباط وثیق با زیرساخت‌های اعتقادی، التزام به هنجارهای اخلاقی در این حوزه بسیار مشکل و بسا که غیرممکن است. به همین دلیل قرآن کریم اصول زیرساختی فعالیت جنسی را برای مخاطبان خود تبیین کرده است. بر این اساس، کشف و تبیین مبانی اخلاق جنسی از منظر قرآن کریم، کنشگران مسلمان را در التزام به اخلاق در این حوزه مهم کمک می‌کند. این مقاله برای پاسخ به چپستی، چونی و چندی مبانی اخلاق جنسی در قرآن کریم فراهم آمده و با روش توصیفی-تحلیلی، به تبیین اصول زیرساختی اخلاق جنسی در قرآن کریم پرداخته است. حاصل این تحقیق، کشف دو دسته اصل مبنایی شامل شش اصل در حوزه اخلاق جنسی از آیات مربوط به فعالیت جنسی در قرآن کریم است؛ اصولی که پیش از این با این سیمت و نسبت مورد توجه قرار نگرفته است.

### کلیدواژه‌ها:

اخلاق جنسی / مبانی / ابزارانگاری / حدث‌انگاری / ضروری‌انگاری.

\* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۰۴، تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۶/۱۲.

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22081/jqr.2022.63838.3523

mdrjbn@gmail.com

۱- استادیار گروه اخلاق پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

## Principles of Sexual Ethics in the Holy Qur'an

Muhammad Reza Jabbaran<sup>1</sup>

If the ethical practitioner has a proper relationship with the principles of ethics in every areas of life, it becomes easier for him to adhere to the ethical principles and respect the value norms. The field of sexual behavior is one of the most important and problematic areas of human life. The existence of sexual power within a person is such that without a solid connection with the ideological infrastructure, adherence to ethical norms in this area is very difficult and almost impossible. For this reason, the Holy Qur'an has explained the fundamental principles of sexual activity to its addresses. Accordingly, discovering and explaining the basics of sexual ethics from the perspective of the Holy Qur'an helps Muslim practitioners to adhere to ethics in this important area. This article has been prepared to answer the question of what, how, and how many basics of sexual ethics in the Holy Qur'an, and with a descriptive-analytical method, it has expounded the basic principles of sexual ethics in the Holy Qur'an. The outcome of this research is the unveiling of two basic principles including six principles in the field of sexual ethics from the verses related to sexual activity in the Holy Qur'an; Principles that have not been considered before with this status and ratio.

**Keywords:** Sexual ethics, fundamentals, instrumentalism, *hadath-ingāri* (presuming as requiring *ghusl*), essentialism.



1- Assistant Professor, Department of Ethics, Research Institute for Islamic Culture and Thought.

رفتارهای اختیاری انسان -از جمله رفتارهای اخلاقی- بر پایه بینش‌ها و باورهای او استوار است. باورهایی که رفتار خاصی را موجب می‌شوند، در اصطلاح محققان علوم، مبانی آن رفتار نامیده می‌شوند. (بهجت‌پور، ۱۳۹۲: ۲۵ و ۲۶) محققان اخلاق جنسی را عبارت از عادات و ملکات و روش‌های بشری می‌دانند که به‌غریزه جنسی بستگی دارد. (مطهری، ۱۳۷۷: ۱۹/۶۳۳) ولی به‌نظر می‌رسد با رویکرد کاربردی نمی‌توانیم ملکات و سجایا را در حوزه اخلاق جنسی قرار دهیم؛ چون اخلاق کاربردی به حوزه صفات و سجایا وارد نمی‌شود. بنابراین به‌نظر ما اخلاق جنسی، عادات، رفتارها و روش‌هایی است که پاسخ به‌غریزه جنسی در ضمن آنها اتفاق می‌افتد. آشنایی با مبانی هر رفتاری التزام به آن را برای کنشگر تسهیل می‌کند. از این‌رو شناخت مبانی اخلاق جنسی موجب سهولت التزام به این حوزه اخلاق می‌شود. بنابراین برای کنشگر مهم است که قرآن کریم به‌مثابه اصیل‌ترین و معتبرترین سند اسلامی، اخلاق جنسی را بر چه پایه‌هایی استوار کرده است. این مقاله در صدد است با روش توصیفی تحلیلی، پرسش فوق را پاسخ دهد. ما در این مقاله به ذکر آن دسته از مبانی بسنده می‌کنیم که اولاً بدون واسطه با موضوع بحث مرتبط (مبانی قریب)، و ثانیاً از آیات مربوط به رفتار جنسی قابل استنباط باشند.

مبانی اخلاق جنسی در همه ادیان ابراهیمی مورد توجه قرار گرفته است. در دین یهود، رفتار جنسی به‌عنوان یک ضرورت تلقی شده که با تشکیل خانواده انتظام می‌یابد و باید از روش‌های دیگر آن جلوگیری شود. به همین دلیل، هم در مرحله مقدمات و هم در مرحله پاسخگویی به نیاز جنسی، احکام دقیقی وضع شده است. در مرحله مقدماتی، پوشش زنان حد مشخصی دارد (دورانت، ۱۳۸۱: ۱/۴۸۴) و از خودنمایی (سفر پیدایش، فصل ۲۴، فقره ۶۵؛ کتاب اشعیا، فصل ۳، فقره ۱۶-۲۴)، اختلاط زن و مرد، چشم‌چرانی و دوستی پیش از ازدواج (کوهن، ۱۳۵۰: ۱۱۶ و ۱۸۶) نهی شده است.

در مرحله پاسخگویی به‌غریزه جنسی، زنا نکوهش و تحریم شده (سفر خروج، باب ۲۰، فقره ۱۳-۱۷؛ کتاب حزقیل، باب ۱۶، فقره ۱۵-۴۱ و باب ۲۳، فقره ۲ به بعد) و برای اشکال مختلف آن، مثل زنای دوشیزه (سفر تثئیه، باب ۵، فقره ۱۸ و ۲۱ و باب ۲۲، فقره ۲۱)، زنای دختر کاهن (سفر لاویان، باب ۲۱، فقره ۹) و زنا با محارم و بستگان (سفر لاویان، فصل بیستم، فقره ۱۰-۲۱)، مجازات مقرر و حتی ازدواج با زن



زانیه تحریم شده است. (سفر لایوان، باب ۲۱، فقره ۷) تحریم لواط (سفر لایوان، فصل بیستم، فقره ۱۳) و تحریم مباشرت با حیوانات (سفر لایوان، فصل بیستم، فقره ۱۵ و ۱۶) نیز در همین راستا صورت گرفته است. همچنین با تشریح غسل جنابت در تورات (سفر لایوان، فصل ۱۵)، به این نکته توجه داده شده که رفتار جنسی در زندگی انسان یک حدث به‌شمار می‌رود.

با صرف نظر از اینکه مسیحیت در اصل به شریعت تورات وابسته است، آنچه با الهام از آموزه‌های پولس در جوامع مسیحی رواج یافته (میرانی، ۱۳۹۰: ۱۵۴)، جز در ترجیح تجرد بر ازدواج (اول قرن‌تیان، ۳۲/۸-۳۵)، تفاوت فاحشی با مبانی یهود ندارد. در انجیل نیز زنا تحریم شده (انجیل متی، باب ۵، فقره ۲۷) و در آموزه‌های پولس، پوشیدن سر بر زنان واجب است (نامه اول پولس به قرن‌تیان، باب ۱۱، فقره ۵-۷) و چشم‌چرانی (انجیل متی، باب ۵، فقره ۲۷-۲۹ و باب ۱۸، فقره ۹)، خودآرایی (عهد جدید، رساله پولس به تیمونائوس، باب دوم، فقره ۹-۱۵)، خودنمایی (نامه اول به تیموثیوس، باب ۵، فقره ۱۱) و اختلاط زن و مرد (نامه اول پولس به قرن‌تیان، باب ۱۴، فقره ۳۴ و ۳۵) نهی شده است. برای پاسخ به نیاز جنسی، پولس نیز به تشکیل خانواده فرمان داده (نامه پولس به تیتس، باب ۲، فقره ۴-۶) و لواط را نهی و نکوهش کرده است. (عهد جدید، رساله پولس رسول به رومیان، باب ۲، فقره ۶-۷ و عهد جدید، رساله پولس رسول به قرن‌تیان، باب ۶، فقره ۶-۱۰)

در سنت روایی اسلام هرچند عنوان مبانی اخلاق جنسی وارد نشده، اما همه مبانی که در ادامه این گفتار نام خواهیم برد، مورد توجه قرار گرفته است. در آثار صاحب‌نظران مسلمان درباره مبانی اخلاق جنسی، سه مقاله و یک کتاب به‌دست آمد:

- طاهرپور، محمدشریف؛ شرفی، محمدرضا؛ باقری، خسرو؛ مسعودی، جهانگیر؛ تبیین مبانی انسان‌شناختی اخلاق جنسی از دیدگاه اسلام، مجله تربیت اسلامی، ۱۳۹۲، شماره ۱۷ صفحه ۵۱-۷۴.

- طاهرپور، محمدشریف؛ شرفی، محمدرضا؛ تبیین مبانی هستی‌شناسی اخلاق جنسی از دیدگاه اسلام، مجله اسلام و پژوهش‌های تربیتی، ۱۳۹۰، شماره ۵، صفحه ۵۳-۷۶.

- طاهرپور محمدشریف، شرفی محمدرضا، تبیین مبانی ارزش‌شناختی اخلاق جنسی از دیدگاه اسلام، مجله تربیت اسلامی، ۱۳۹۸، دوره ۱۴، شماره ۳۰، صفحه ۳۹-۶۵.

- کریمیان صیقلانی، علی، مبانی اخلاق جنسی در اسلام، انتشارات دانشگاه گیلان، ۱۳۹۵.

تفاوت مقاله حاضر با نوشته‌های دیگر که می‌تواند به‌عنوان نوآوری این مقاله تلقی شود، در دو چیز است: نخست اینکه برعکس نوشته‌های دیگر، به مبانی قریبه اخلاق جنسی پرداخته و از مبانی بعیده که به این حوزه اختصاصی ندارند، صرف نظر کرده است. دوم اینکه برای کشف مبانی این حوزه، بر قرآن کریم تمرکز کرده و به تراش روایی اسلامی نپرداخته است.

## ۱. انواع مبانی اخلاق جنسی در قرآن کریم

قرآن کریم برای رفتارهای جنسی، دو دسته عوامل زیرساختی معرفی می‌کند: نخست باورهایی که حقیقت رفتار جنسی را در دیدگاه کنشگر اخلاقی می‌سازد، و دیگر ظروف و شرایط رفتارهای جنسی در باور او.

### ۱-۱. باورهای کنشگر درباره رفتار جنسی

ملاحظه تبیین‌های قرآن کریم از رفتار جنسی و احکامی که در این باب تشریح کرده، برای مخاطب قرآن درباره رفتار جنسی سه بینش می‌سازد: ابزار بودن، ضروری بودن و حدث بودن. این سه بینش هر یک به‌نوعی در پیدایش رفتار اخلاقی در این حوزه اثرگذار است.

#### ۱-۱-۱. ابزارانگاری

رابطه جنسی ابزاری است که زندگی دنیا را به جریان می‌اندازد؛ «ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» (آل عمران: ۱۴). متاع به چیزی گفته می‌شود که مورد استفاده قرار می‌گیرد و با استفاده تمام می‌شود. (طوسی، بی‌تا: ۴۱۲/۲؛ بغوی، ۱۴۲۰: ۴۱۸/۱) طبق این آیه کریمه، رفتار جنسی برای آخرت طراحی نشده (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۲۸/۳)، ولی زندگی دنیا به‌مثابه مقدمه آخرت را گرم می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۹۵/۳) وجود غریزی همسر دوستی و فرزند دوستی در قلب انسان نیز برآمده از این حکمت الهی است که بدون این غرایز، توالد و تناسل تعطیل و نسل بشر منقطع می‌شود. (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۱۶۲/۷؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۳۹/۳)

#### ۱-۱-۲. ضروری‌انگاری

رابطه جنسی با آنکه یک ابزار است، برای زندگی انسان ضروری است. قرآن کریم درباره اعمال نیروی شهوت جنسی در انسان سه رویکرد را مطرح کرده است: نخست



نظریه حدود الهی که کنترل عاقلانه شهوت جنسی را تجویز می‌کند. دوم نظریه رهبانیت که سرکوب نیروی جنسی را تا حد تعطیلی توصیه می‌کند. سوم نظریه آزادی جنسی که به نیروی جنسی آزادی کامل می‌دهد.

### ۱-۲-۱-۱. نظریه حدود الهی

طبق این نظریه، پاسخ به گزینه جنسی عملی طبیعی و در عین حال ضروری است، ولی باید تنها در محدوده خانواده اعمال شود؛ «وَالَّذِينَ هُمْ يُفْرَجُهُمْ حَافِظُونَ\* إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ» (مؤمنون: ۵-۶؛ معارج: ۲۹-۳۰). در این دو موضع، حفاظت از فرج را شرط ایمان (مؤمنون: ۱) و مقدمه بهره‌مندی از بهشت و احترام الهی (معارج: ۳۵) شمرده است. منظور از حفظ در این آیات، اعمال گزینه در محدوده قوانین شریعت است. (مدرسی، ۱۴۱۹: ۱۵۱/۸) راه‌هایی که قرآن کریم برای اجرای نظریه حدود الهی برگزیده، به شرح زیر است:

۱- تأکید بر تشکیل خانواده (نساء: ۲۴-۲۵؛ نور: ۳۲).

۲- اهتمام فراوان به خانواده به وسیله تشریح قوانین روشن (نساء: ۱۹-۲۵؛ مائده، ۵).

۳- تجاوزانگاری و نفی روابط فراخانوادگی (وَرَاءَ ذَٰلِكَ) (مؤمنون: ۷؛ معارج: ۳۱)، با توجه به اینکه «ذَٰلِكَ» در این دو آیه اشاره به روابط خانوادگی است، این عنوان همه روابط فراخانوادگی، حتی خودارضایی را شامل می‌شود. (مغنیه، ۱۴۲۴: ۳۵۸/۵) تطبیق «وَرَاءَ ذَٰلِكَ» بر خودارضایی از امام صادق علیه السلام نیز روایت شده است. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۰/۱۰۱)

۴- معرفی عناصر ساختاری خانواده مثل زوجین غیر همجنس، تعدد مشروط و محدود زوجات (نساء: ۳ و ۱۲۹)، امکان جدایی و بازگشت مجدد (بقره: ۲۲۷، ۲۲۹-۲۳۲، ۲۳۶؛ نساء: ۲۰؛ احزاب: ۴۹؛ طلاق: ۱؛ تحریم: ۵) و همزیستی اعضا (بقره: ۳۵-۳۶، ۳۸؛ اعراف: ۱۹؛ ابراهیم: ۳۷؛ طلاق: ۱، ۶). برای تأکید بر عنصر زوجین غیر همجنس در حدود سی آیه، در ضمن داستان و بیان احکام، زن را در مقام همسر مرد (آل عمران: ۳۵، ۴۰؛ نساء: ۲۳-۲۵؛ مائده: ۵؛ اعراف: ۸۳؛ حجر: ۶۰، ۷۱؛ هود: ۷۱، ۷۸؛ ۸۱؛ یوسف: ۲۱، ۳۰، ۵۱؛ مریم: ۵، ۸؛ نمل: ۵۷؛ قصص: ۹؛ عنکبوت: ۳۲؛ احزاب: ۵۰؛ ذاریات: ۲۹؛ مجادله: ۱-۲؛ تحریم: ۱۱؛ مسد: ۴) و مرد را در مقام همسر زن (هود: ۷۲؛ نساء: ۲۳) قرار داده و گاهی هنگام سخن گفتن از زوجین، از علائم جنسیتی متقابل (بقره: ۲۳۳؛ نساء: ۳۵) استفاده کرده است.

## ۱-۲-۲. نظریه رهبانیت

رهبانیت در لغت مصدر «رهب»، به معنای بیمناک بودن (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۴۷/۴؛ جوهری، ۱۴۰۷: ۱/۱۴۰) و در اصطلاح عبارت است از ترک جامعه و عزلت‌گزینی به منظور عبادت. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۷۳/۱۹) یکی از ارکان رهبانیت، پلیدانگاری و سرکوب‌گری جنسی و پرهیز از ازدواج است. (وجدی، بی‌تا: ۲۹۷/۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۸۹/۲۳) این اصل در رهبانیت ادیان مختلف از جمله مسیحیت (ابن عربی، ۱۴۰۸: ۴/۱۸۸۰؛ طوسی، بی‌تا: ۵۳۷/۹)، یهود (مهدی‌زاده، ۱۳۷۱: ۱۶۳) و دین بودا (عدلی، ۱۳۹۰: ۷۵-۷۷) مراعات می‌شود. قرآن کریم به صراحت با رهبانیت مخالفت کرده است؛ «و رَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا» (حدید: ۲۷). این آیه کریمه برای مخالفت با رهبانیت نصارا چند بیان به کار برده است:

۱- استفاده از واژه بدعت (ابْتَدَعُوهَا) که با «ما كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ» تفسیر شده (مدرسی، ۱۴۱۹: ۱۱۳/۱۵)، این پیام را دارد که این شیوه از جانب خدا نیست. (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۲۴۷/۹؛ زحیلی، ۱۴۱۱: ۲۷/۳۳۸؛ طوسی، بی‌تا: ۵۳۶/۹)

۲- جمله «إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ» به نظر گروهی از مفسران استثنای منقطع است. طبق این نظر، جست‌وجوی رضای خدا قید ابتداع رهبانیت است. (واحدی، ۱۴۱۵: ۱۰۷۱/۲؛ مغنیه، ۱۴۲۴: ۷/۲۵۸) بنابراین آنچه در میان نصارا رایج شده که یکی از ارکانش ترک ازدواج است، مورد نکوهش قرآن است.

به نظر گروهی دیگر استثنای متصل است. بر این اساس، ربطی به فعل بندگان ندارد و به این معناست که «ما بر آنها نوشته بودیم رضای خدا را جست‌وجو کنند، ولی ایشان رهبانیت را ساختند». (سمرقندی، ۱۴۱۶: ۳/۴۱۱؛ نهاوندی، ۱۳۸۶: ۱۸۱/۶) طبق این قول، میان رهبانیت و رضای خدا نوعی مقابله وجود دارد و به همین دلیل نکوهیده است.

۳- «فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا» طبق این جمله، رهبانیت جاری در ظرف نزول قرآن، تحریف رهبانیت اصیل و محصول کوتاهی راهبان بوده است. مفسران کوتاهی راهبان را به اشکال مختلف تصویر کرده‌اند. از آن جمله است: رها کردن تعالیم حضرت مسیح عليه السلام و گرایش به یهودیت و نصرانیت رسمی (مراغی، بی‌تا: ۱۸۶/۲۷)، روی آوردن به لادید و اشتغال به مردم، (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۲۷/۳۸۲)، انکار رسالت حضرت محمد صلى الله عليه وآله وسلم (بغوی، ۱۴۲۰: ۳۳/۵)، بهره‌کشی از مردم و ممانعت از حق‌گرایی (مدرسی، ۱۴۱۹: ۱۵/۱۱۴)، و تکلیف‌تراشی خودسرانه و بدون آگاهی برای خود. (سلطان



علی‌شاه، ۱۴۰۸: ۱۵۲/۴؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۵۰/۲۲) ولی با همه این اختلافات، همگی اتفاق دارند که این جمله در مقام نکوهش رهبانیت است. (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰: ۳۸۳/۲۷؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۵۰/۲۲) به همین دلیل هم در جمله بعد، آنها را فاسق نامیده است. (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۲۴۷/۹) نتیجه اینکه قرآن کریم نظریه رهبانیت را نپذیرفته است.

### ۱-۲-۳. نظریه آزادی جنسی

در جامعه عربی معاصر نزول قرآن، علاوه بر ناهنجاری‌های جنسی رایج، نظام هنجاری روابط جنسی نیز از روابط ظالمانه و فسادانگیز خالی نبود. (حلبی، ۱۴۰۰: ۶۹/۱؛ جواد علی، ۱۳۸۰: ۵۳۳/۵-۵۴۷؛ قصی حسین، ۲۰۰۴: ۱۹۶-۲۰۰) جوامع دیگر نیز همانند جامعه عربی، هر یک اشکال مختلفی از این قبیل رفتارها را در هنجارهای عرفی خود پذیرفته بودند. (دورانت، ۱۳۸۱: ۳۳۱/۲-۳۳۵، ۴۳۸-۴۳۵/۵) قرآن کریم برای مقابله با همه این رفتارهای متنوع، پس از ترسیم مرزهای خانواده، چهار شیوه به‌کار گرفته است.

۱- نفی همه رفتارهای فراخانوادگی، اعم از رابطه با هم‌جنس و غیرهم‌جنس، با بیان جامع «وَرَاءَ ذَٰلِكَ» (مؤمنون: ۷؛ معارج: ۳۱).

۲- منع روابط فراخانوادگی زن و مرد با عنوان مسافحه و اختدان (نساء: ۲۴-۲۵؛ مائده: ۵). این دو عنوان از نظر مفهومی، هر نوع رابطه زن و مرد در خارج از فضای همسری را شامل می‌شود. چون مسافحه به رابطه علنی (طبری، ۱۴۱۲: ۱۴/۵؛ ابن‌ابی‌حاتم، ۱۴۱۹: ۹۲۲/۳)، یا به رابطه یک زن با مردان زیاد (ماتریدی، ۱۴۲۶: ۱۱۴/۳؛ طوسی، بی‌تا: ۱۶۵/۳؛ شاذلی، ۱۴۲۵: ۸۴۸/۲) اطلاق می‌شود و منظور از اختدان -با ملاحظه دو عنصر اختفا و اختصاص- رابطه دوستی پنهانی یک زن با یک مرد خاص است. (ماتریدی، ۱۴۲۶: ۱۱۴/۳؛ طوسی، بی‌تا: ۱۶۵/۳)

۳- نفی روابط فراخانوادگی با غیرهم‌جنس با عناوین کلی زنا (نور: ۲-۳؛ فرقان: ۶۸-۶۹) به‌معنای هر گونه آمیزش فراخانوادگی با غیرهم‌جنس (طوسی، بی‌تا: ۴۷۵/۶، ۶۷/۷) و معادل‌های مفهومی آن مثل فاحشه (نساء: ۱۵، ۱۹، ۲۵؛ احزاب: ۳۰؛ طلاق: ۱) به‌معنای زنا (ماوردی، بی‌تا: ۳۹۷/۴؛ ابن‌قتیبه، ۱۴۱۱: ۱۰۸؛ طوسی، بی‌تا: ۱۴۳/۳؛ دامغانی، ۱۴۱۶: ۱۲۷/۲)، بغی (مریم: ۲۰، ۲۸) و بغاء (نور: ۳۳) هر دو به‌معنای زنا. (سمرقندی، ۱۴۱۶: ۳۷۱/۲؛ سبزواری، ۱۴۱۹: ۳۱۱)



۴- نفی هم جنس خواهی و هم جنس بازی. قرآن کریم با چهار بیان این موضع خود را نشان داده: نخست، نکوهش شدید هم جنس خواهی با اطلاق عناوینی مثل خبیث (انبیاء: ۷۴)، فاحشه (عنکبوت: ۲۸) و راه زنی «تَقَطُّعُونَ السَّبِيلَ» (عنکبوت: ۲۹) بر هم جنس بازی. منظور از عمل خبیث، آمیزش مرد با مرد است. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۸۹/۷؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۹۰/۴) فاحشه به عمل زشتی گفته می شود که زشتی اش چنان آشکار است که هر عاقلی با آن مخالفت می کند. و منظور از آن در اینجا هم جنس بازی است. (طوسی، بی تا: ۲۰۲/۸؛ بغوی، ۱۴۲۰: ۵۵۵/۳) مراد از قطع سبیل طبق یک تفسیر، بستن راه توالد است که با هم جنس بازی میسر می شود. (طوسی، بی تا: ۲۰۲/۸؛ بغوی، ۱۴۲۰: ۵۵۵/۳) و طبق تفسیری دیگر، بستن راه مسافران و اجبار ایشان به عمل لواط است. (بغوی، ۱۴۲۰: ۵۵۵/۳)

دوم نکوهش و تهدید کسانی که به این رفتار آلوده اند؛ با اطلاق عناوینی مثل «قَوْمٌ سَوَاءٌ» (انبیاء: ۷۴)، فاسق (انبیاء: ۷۴؛ عنکبوت: ۳۴)، تبهکار (عنکبوت: ۳۰)، ستمکار (عنکبوت: ۳۱) و متجاوز (شعراء: ۱۶۶) بر ایشان. فاسق در اینجا به معنای گناهکار است. (سمرقندی، ۱۴۱۶: ۴۳۳/۲؛ طوسی، بی تا: ۲۶۵/۷) اطلاق تبهکار بر ایشان به دلیل کار ناروایی است که بنا نهاده بودند (زحیلی، ۱۴۱۱: ۲۳۲/۲۰)، توصیفشان به ستمکاری به دلیل معصیتی است که مرتکب می شدند. (بن حموش، ۱۴۲۹: ۵۶۲۵/۹) و اطلاق متجاوز بر آنها نیز به خاطر این عمل است. (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۳۴۶/۳؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۵۰۲/۹)

سوم، اظهار بیزاری از این رفتار «قَالَ إِنِّي لِعَمَلِكُمْ مِنَ الْقَالِينَ» (شعراء: ۱۶۸). «قالی» اسم فاعل «قلی» به معنای بغض و روگردانی و یا بیزاری است. (ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۲۴۱/۴؛ مغنیه، ۱۴۲۴: ۵۱۴/۵)

چهارم، خبر دادن از هلاکت ایشان به عذاب الهی (عنکبوت: ۳۱، ۳۴؛ شعراء: ۱۷۲-۱۷۳).

### ۱-۳-۱. حدیث انگاری

با آنکه در سنت اسلامی، رفتار جنسی همسرانه به طور مؤکد توصیه و تشویق شده، ماهیت فعالیت جنسی در فرهنگ اسلامی نوعی حدث یا موجب نوعی حدث تلقی می شود. (نجفی، ۱۳۶۵: ۷۹/۳) حدث در لغت عبارت است از امری که در روند عادی زندگی جا ندارد و به تازگی اتفاق می افتد و باید برداشته شود؛ مثل بیماری (لوئیس معلوف، ۲۰۰۰: ۱۲۱)، و در اصطلاح فقهی عبارت از پلیدی معنوی است (حلی، ۱۴۱۴: ۲۳۰/۱)؛ حالتی معنوی که با وجود آن نمی توان وارد عبادت شد. (سبزواری، بی تا:



۵۵/۱) آمیزش جنسی انسان را در لذت غرق و از زندگی انسانی دور می‌کند. (سلطان علی‌شاه، ۱۴۰۸: ۲۲/۲) به همین دلیل به‌عنوان حدث تلقی و برای رفع آن، غسل تشریح شده. غسل پلیدی ظاهری را از بدن پاک و روح را برای ورود به عرصه‌های حیات انسانی آماده می‌کند. (مدرسی، ۱۴۱۹: ۸۹/۲) می‌فرماید: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرُبُوا الصَّلَاةَ... وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّى تَغْتَسِلُوا وَإِنْ كُنْتُمْ... أَوْ لَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ» (نساء: ۴۳).

در این آیه، فعالیت جنسی در دو قالب مطرح شده: نخست در قالب جنابت (لَا جُنُبًا). این واژه در قرآن کریم به‌معنای دور به‌کار رفته (آلوسی، ۱۴۱۵: ۳۶/۳): کسی که به هر صورت منی از او خارج شود (پانی‌پتی، ۱۴۱۲: ۱۲۰/۲؛ سبزواری، ۱۴۰۶: ۲۹۳/۲)، یا بدون خروج منی آمیزش کند (نهادنی، ۱۳۸۶: ۳۴۱/۲)، جنب نامیده می‌شود؛ چون از مردم، مساجد (خازن، ۱۴۱۵: ۳۷۸/۱) قرآن و نماز دور است. (میبیدی، ۱۳۷۱: ۵۰۰/۲)

دوم در قالب لمس زنان (لَمَسْتُمُ النِّسَاءَ). لمس در این آیه به‌معنای آمیزش است؛ فارغ از اینکه منی خارج شود یا نه. (آلوسی، ۱۴۱۵: ۴۱/۳؛ مراغی، بی‌تا: ۴۵/۵؛ مغنیه، ۱۴۲۴: ۳۲۹/۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۸: ۲۱۲/۱) این تفسیر از امام باقر و امام صادق علیهما السلام روایت شده است. (عباشی، ۱۳۸۰: ۲۴۳/۱) فعالیت جنسی به هر صورتی مانع نزدیک شدن به نماز است؛ «لَا تَقْرُبُوا الصَّلَاةَ... وَلَا جُنُبًا». منظور از «صلاة» در این آیه خود نماز است (زمخشری، ۱۴۰۷: ۵۱۳/۱؛ ثعالبی، ۱۴۱۸: ۲۴۰/۲؛ اردبیلی، بی‌تا: ۲۲؛ کاشانی، ۱۴۲۳: ۶۸/۲)، یا موضع آن (مساجد) (طوسی، بی‌تا: ۲۰۷/۳؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳۶۰/۴؛ بغوی، ۱۴۲۰: ۶۲۷/۱؛ سمرقندی، ۱۴۱۶: ۳۰۵/۱)، و یا هر دو. (حجازی، ۱۴۱۳: ۳۷۹/۱) و در هر صورت به‌طور مؤکد بر محرومیت از عبادت دلالت دارد؛ چون اگر مراد از آن خود نماز باشد، «نزدیک نماز نشوید» بسیار رساتر است از «نماز نخوانید». (ابوحیان، ۱۴۲۰: ۶۴۸/۳) و اگر مکان نماز مراد باشد، نهی از نزدیک شدن به مکان نماز به‌صورت مؤکد بر نهی از نماز دلالت دارد. این محرومیت ناشی از آن است که جنابت موجب ظلمت روحانی در نفس یا موجب خودپلشت‌انگاری می‌شود. این پلشتی و ظلمت همان حدیثی است که با غسل برداشته می‌شود. (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۲۷۹/۷)

تا اینجا دسته اول مبانی اخلاق جنسی شامل ابزارانگاری، ضروری‌انگاری و حدث‌انگاری فعالیت جنسی را بررسی کردیم.

## ۲-۱. باورهای کنشگر درباره ظروف و شرایط رفتار جنسی

از دسته دوم مبانی اخلاق جنسی که در ضمن آیات مربوط به رفتار جنسی به آنها اشاره شده نیز سه اصل قابل توجه است.

### ۱-۲-۱. احاطه علم خدا

از نگاه قرآن کریم، رفتار جنسی انسان در حوزه آگاهی خدا اتفاق می‌افتد. این اصل در پنج آیه به صراحت آمده است (نساء: ۲۴، ۲۶؛ نور: ۵۸-۶۰). می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا» (نساء: ۲۴). این گزاره بعد از بیان مجموعه‌ای از قوانین و هنجارهای مربوط به ازدواج که با نفی روابط نامشروع «مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ» ختم شده، آمده است. مشهور مفسران متعلق آگاهی در این آیه و آیات مشابه را که در پی خواهد آمد، مصالح بندگان دانسته‌اند. (طوسی، بی‌تا: ۱۶۷/۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۳/۳؛ اشکوری، ۱۳۷۳: ۶۳ و ۶۰/۱؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ۶۹/۲؛ واحدی، ۱۴۱۵: ۲۵۹/۱؛ مراغی، بی‌تا: ۱۳۲/۱۸؛ مدرسی، ۱۴۱۹: ۳۵۷/۸؛ سبزواری، ۱۴۰۶: ۱۲۹/۵) برخی از اهل تفسیر در آیه ۲۶ نساء، علم را به سنت گذشتگان (سُنَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ) تعلق داده‌اند. (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۷۰/۲؛ قونوی، ۱۴۲۲: ۱۲۳/۷) با این حال به نظر می‌رسد این گزاره و گزاره‌های مشابه در آیات ۲۶ نساء و ۵۸ نور، می‌تواند ناظر به رفتارهای بندگان در حوزه روابط با جنس مخالف باشد، چنان‌که برخی مفسران در آیه ۳۰ نور (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۱۰۴/۴)، برخی در آیه ۶۰ نور (سبزواری، ۱۴۰۶: ۱۳۰/۵)، برخی در آیه ۲۳۵ بقره (مدرسی، ۱۴۱۹: ۱۴۲/۱؛ زحیلی، ۱۴۱۱: ۳۸۲/۲)، و برخی در آیه ۲۳۱ بقره (اردبیلی، بی‌تا: ۵۸۷؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۲۶۰/۱؛ فاضل جواد، ۱۳۶۵: ۴۲/۴) به این نتیجه رسیده، اشاره به علم الهی را تأکید احکام پیش‌گفته تلقی کرده‌اند. بر این اساس، یکی از زیربناهای اخلاق در رفتار جنسی این است که کنشگر می‌داند رفتارش در حیطه آگاهی خداوند متعال اتفاق می‌افتد.

### ۱-۲-۲. استناد به حکمت الهی

یکی از زیرساخت‌هایی که التزام به رفتار اخلاقی را در هر حوزه‌ای تسهیل می‌کند، اعتقاد به حکیمانه بودن اصول اخلاقی است. از نگاه قرآن کریم، اصول اخلاقی در حوزه رفتار جنسی مستند به حکمت الهی است. این گزاره چهار بار در قرآن تکرار شده است (نساء: ۲۴، ۲۶؛ نور: ۵۸-۵۹). می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا» (نساء: ۲۴)؛ یعنی خدا امور بندگان را با حکمت تدبیر می‌کند و احکامی تشریح می‌کند که



معاش و معادشان را به صلاح آورد. (مراغی، بی تا: ۱۳۲/۱۸) و این قوانین مترقی و پیشرفته نشانه حکمت اوست. (مدرسی، ۱۴۱۹: ۳۵۷/۸) از جمله عقد نکاح را با حکمت تشریح کرده (واحدی، ۱۴۱۵: ۲۵۹/۱)، چون مراعات آن به حفظ اموال و انساب منتهی می شود. (طوسی، بی تا: ۱۶۷/۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۳/۳)

### ۱-۲-۳. رفتار جنسی قانونمند ضامن حیات پاک انسانی

این اصل در حقیقت از فروع اصل سابق است، با این حال ما به این دلیل آن را با عنوان مستقل آوردیم که قرآن کریم به طور مستقل به آن پرداخته و آن را با بیان‌های گوناگون مطرح کرده است. از جمله:

۱- سه بار به طور صریح و تلویحی آورده است که التزام به هنجارهای شرعی و اخلاقی در حوزه فعالیت‌های جنسی، موجب رشد و پاکی است؛ «ذَلِكُمْ اَزْكٰى لَكُمْ وَاَطَهَّرٌ» (بقره: ۲۳۲)، «اَزْكٰى لَهُمْ» (نور: ۳۰)، «اِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ التَّوَّابِيْنَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِيْنَ» (بقره: ۲۲۲). «ازکی» اسم تفضیل از ماده «زکو»، به معنای پاکیزگی، صلاح، لیاقت و رشد (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۳۹۴/۵)، و «اطهر» صیغه تفضیل از ماده «طهارت»، به معنای نزاهت و پاکیزگی است. (جوهری، ۱۴۰۷: ۷۲۷/۲) در این آیات، این دو واژه را برخی به پاکیزه‌تر (زمخسری، ۱۴۰۷: ۲۷۸/۱)، برخی به برتر (طبرسی، ۱۴۱۲: ۱۲۸/۱)، و برخی به برتر و پاکیزه‌تر (زمخسری، ۱۴۰۷: ۲۷۸/۱؛ شربینی، ۱۴۲۵: ۱۷۴/۱) معنا کرده‌اند.

مفسران «ذَلِكُمْ» در آیه سوره بقره را اشاره به موضوع آیه، یعنی بازداشت زنان مطلقه از ازدواج با شوهر سابق (فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ اَنْ يَنْكِحْنَ اَزْوَاجَهُنَّ)، و «ذَلِك» در آیه سوره نور را اشاره به موضوعات مطرح شده در همان آیه، یعنی فرو نهادن چشم و پاکدامنی (يَعْضُوا مِنْ اَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ) دانسته‌اند. (سمرقندی، ۱۴۱۶: ۵۰۸/۲؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۲۹۰/۳؛ زحیلی، ۱۴۱۱: ۲۱۴/۱۸؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۴۰۸/۲؛ جرجانی، ۱۳۷۸: ۲۹۸/۶؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۳۲۳/۴؛ مدرسی، ۱۴۱۹: ۴۰۲/۱) با این حال، هیچ دلیلی بر انحصار حکم آیات به این موضوعات نداریم؛ همان‌طور که طهارت در آیه ۲۲۲ بقره نه تنها به موضوع خاص آیه، یعنی خودداری از آمیزش در حال عادت ماهانه (لَا تَقْرُبُوهُنَّ حَتّٰى يَطْهَرْنَ) اختصاص پیدا نکرده و طیف وسیعی از رفتارهای کمالی شامل تطهیر با آب، خودداری از آمیزش غیرعادی در ایام عادت، توبه از گناهان و پاکی از شرک را شامل می‌شود. (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۴۰۳/۲)

۲- در سه آیه گاهی به‌طور صریح و مستقل و گاهی در ضمن گزاره‌ای دیگر، عبور از هنجارها را ظلم خوانده است؛ «وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (بقره: ۲۲۹)، «وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ» (بقره: ۲۳۱)، و «قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ» (یوسف: ۲۳). ظلم رفتار نادرستی است که هیچ نفعی برای آینده انسان ندارد و زیانی بزرگ‌تر از خود را نیز دفع نمی‌کند و انسان برای حراست از خویش، نیازی به آن ندارد. (طوسی، بی‌تا: ۱۵۸/۱) معنای اصلی ظلم، قرار دادن چیزی در غیر موضع خویش (ماتریدی، ۱۴۲۶: ۵۱۶/۴؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۵۶۱/۳۰)، و یا کم کردن و کم شدن است. (طوسی، بی‌تا: ۲۰۰/۳) معانی دیگری که مفسران در تفسیر آیات برای این واژه آورده‌اند، مصداق یکی از این دو مفهوم است؛ مثل عبور از حدود الهی (ابوحیان، ۱۴۲۰: ۵۰۱/۱)، شرک (همو، ۱۴۰۷: ۴۹۵/۲)، تصرف بی‌اجازه در ملک غیر (شاذلی، ۱۴۲۵: ۱۲۶۰/۳)، تجاوز به حقوق دیگران (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۱۷۲/۲۲)، عدول از راهی که به حق منتهی می‌شود. (رشید رضا، ۱۴۱۴: ۳۶۳/۳) بر این اساس، شکستن هنجارها در حوزه رفتارهای جنسی که رفتاری نادرست، عدول از راه حق، عبور از مرزهای الهی و کم کردن از شأن خویشتن است، ظلم است.

۳- در دو آیه با واژه فلاح از کامیابی اهل مراعات و ناکامی هنجارشکنان سخن به میان آورده است (یوسف: ۲۳؛ نور: ۳۱). فلاح در لغت به‌معنای ماندگاری یا ماندگاری در خیر، نجات و دستیابی به خیر است. (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۲۳۳/۳؛ جوهری، ۱۴۰۷: ۳۲۹/۱) آیه نور درباره فلاحی سخن می‌گوید که بر اثر توبه نصیب اهل ایمان می‌شود. موضوع توبه در این آیه گناهان جنسی است. (جزایری، ۱۴۱۶: ۵۶۷/۳؛ زحیلی، ۲۲۲/۱۸؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۱۷۱/۱۸؛ مراغی، بی‌تا: ۱۰۱/۱۸؛ سبزواری، ۱۴۰۶: ۱۱۰/۵) بر این اساس، مراعات هنجارهای جنسی موجب فلاح است.

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

آشنایی با مبانی هر رفتاری، التزام به آن را برای کنشگر تسهیل می‌کند. ازاین‌رو شناخت مبانی اخلاق جنسی موجب سهولت التزام به این حوزه اخلاق می‌شود. به همین دلیل، مبانی اخلاق جنسی در همه ادیان ابراهیمی مورد توجه قرار گرفته است. قرآن کریم برای رفتارهای جنسی دو دسته مبنا معرفی می‌کند: نخست باورهایی که حقیقت رفتار جنسی را در دیدگاه کنشگر اخلاقی می‌سازد، و دیگر ظروف و شرایط



رفتارهای جنسی در باور او. از هر یک از این دو دسته، سه اصل مورد توجه قرآن کریم قرار گرفته است. از دسته اول، نخست اینکه فعالیت جنسی ابزاری است که زندگی دنیا را به جریان می‌اندازد. دوم اینکه رابطه جنسی برای زندگی انسان ضروری است. پس رهبانیت پذیرفته نیست، ولی نباید نیروی جنسی بدون مرز و قاعده اعمال شود، پس آزادی جنسی نیز مردود است. به همین دلیل قرآن کریم در پاسخ به گزینه جنسی، نظریه حدود الهی را مطرح کرده است. سوم اینکه ماهیت فعالیت جنسی نوعی حدث است؛ یعنی امری است که در روند عادی زندگی جا ندارد و به تازگی اتفاق می‌افتد و باید برداشته شود؛ مثل بیماری. از دسته دوم نیز رفتار جنسی انسان در حوزه آگاهی خدا اتفاق می‌افتد. دوم اینکه اصول اخلاقی در حوزه رفتار جنسی مستند به حکمت الهی است. سوم اینکه رفتار جنسی قانونمند ضامن حیات پاک انسانی است. در این حوزه، التزام به اصول اخلاقی موجب رشد و فلاح و شکستن هنجارهای ظلم است.

### فهرست منابع

۱. آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۱۵ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۲. ابن عربی، محمد بن عبدالله (۱۴۰۸ق)، احکام القرآن، بیروت: دار الجیل.
۳. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۹ق)، تفسیر القرآن العظیم، ریاض: مکتبه نزار مصطفی الباز.
۴. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (۱۴۲۲ق)، زاد المسیر فی علم التفسیر، بیروت: دار الکتب العربی.
۵. ابن عاشور، محمد بن طاهر (۱۴۲۰ق)، التحریر و التنویر، بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.
۶. ابن عطیه، عبدالحق بن غالب (۱۴۲۲ق)، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۷. ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم (۱۴۱۱ق)، غریب القرآن، بیروت: دار و مکتبه الهلال.
۸. اردبیلی، احمد بن محمد (بی تا)، زبدة البیان فی احکام القرآن، تهران: مکتبه المرتضویة.
۹. اشکوری، محمد بن علی (۱۳۷۳)، تفسیر شریف لاهیجی، تهران: دفتر نشر داد.
۱۰. اندلسی، ابوحیان محمد بن یوسف (۱۴۲۰ق)، البحر المحیط فی التفسیر، بیروت: دار الفکر.
۱۱. اندلسی، ابوحیان محمد بن یوسف (۱۴۰۷ق)، النهر الماد من البحر المحیط، بیروت: دار الجنان.
۱۲. بغوی، حسین بن مسعود (۱۴۲۰ق)، معالم التنزیل، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۳. بن حموش، مکی (۱۴۲۹ق)، الهدایة إلى بلوغ النهایة، شارجه: جامعة الشارقة، کلیة الدراسات العلیا و البحث العلمی.
۱۴. بهجت پور، عبدالکریم (۱۳۹۲)، تفسیر تنزیلی (به ترتیب نزول) مبانی، اصول، قواعد و فواید، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۵. بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ق)، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

١٦. پانی پتی، ثناء الله (١٤١٢ق)، التفسیر المظهری، کویتہ: مکتبہ رشدیہ.
١٧. ثعلبی، عبدالرحمن بن محمد (١٤١٨ق)، الجواهر الحسان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
١٨. ثعلبی، احمد بن محمد (١٤٢٢ق)، الكشف و البیان، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
١٩. جرجانی، حسین بن حسن (١٣٧٨)، جلاء الأذهان و جلاء الأحزان (تفسیر گازر)، تهران: دانشگاه تهران.
٢٠. جزایری، ابوبکر جابر (١٤١٦ق)، ایسر التفاسیر لکلام العلی الکبیر، مدینة منوره: مکتبہ العلوم و الحکم.
٢١. جواد علی (١٣٨٠)، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، بی جا: منشورات الشریف الرضی.
٢٢. جوهری، اسماعیل بن حماد (١٤٠٧ق)، الصحاح، بیروت: دار العلم للملایین.
٢٣. حجازی، محمد محمود (١٤١٣ق)، التفسیر الواضح، بیروت: دار الجیل.
٢٤. حسین، قُصَى (٢٠٠٤)، موسوعة الحضارة العربية العصر الجاهلی، بیروت: دار و مکتبہ الهلال و دار البحار.
٢٥. حلبي، علی بن ابراهیم (١٤٠٠ق)، السیرة الحلبيّة، بیروت: دار المعرفة.
٢٦. حلبي، حسن بن یوسف (١٤١٤ق)، تذکرة الفقهاء، قم: تحقیق و نشر مؤسسة آل البيت ﷺ لإحياء التراث.
٢٧. خازن، علی بن محمد (١٤١٥ق)، تفسیر الخازن المسمی لباب التأویل فی معانی التنزیل، بیروت: دارالکتب العلمیة.
٢٨. دامغانی، حسین بن محمد (١٤١٦ق)، الوجوه و النظائر لالفاظ کتاب الله العزیز، قاهره: نشر جمهوریة مصر العربیة، وزارة الاوقاف.
٢٩. دورانت، ویلیام جیمز (١٣٨١)، تاریخ تمدن، ترجمه گروہی، تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی.
٣٠. رشید رضا، سید محمد (١٤١٤ق)، تفسیر القرآن الحکیم الشہیر بتفسیر المنار، بیروت: دار المعرفة.
٣١. زحیلی، وهبه (١٤١١ق)، التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنہج، دمشق: دارالفکر.
٣٢. زمخشری، محمود بن عمر (١٤٠٧ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقابیل فی وجوه التأویل، بیروت: دار الکتب العربی.
٣٣. سبزواری، محمدباقر (بی تا)، ذخیرة المعاد، قم: مؤسسة آل البيت ﷺ لإحياء التراث.
٣٤. سبزواری، محمد (١٤١٩ق)، ارشاد الأذهان الی تفسیر القرآن، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
٣٥. سبزواری، محمد (١٤٠٦ق)، الجدید فی تفسیر القرآن المجید، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
٣٦. سلطان علی شاه، سلطان محمد بن حیدر (١٤٠٨ق)، بیان السعادة فی مقامات العبادة، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
٣٧. سمرقندی، نصرین محمد (١٤١٦ق)، بحر العلوم، بیروت: دار الفکر.
٣٨. شاذلی، سید بن قطب (١٤٢٥ق)، فی ظلال القرآن، بیروت: دار الشروق.
٣٩. شریینی، محمد بن احمد (١٤٢٥ق)، السراج المنیر، بیروت: دار الکتب العلمیة.
٤٠. طباطبائی، سید محمد حسین (١٣٩٠ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
٤١. طبرسی، فضل بن حسن (١٤١٢ق)، تفسیر جوامع الجامع، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
٤٢. طبرسی، فضل بن حسن (١٣٧٢)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو.
٤٣. طبری، محمد بن جریر (١٤١٢ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفة.
٤٤. طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار إحياء التراث العربی.



۴۵. عدلی، محمدرضا (۱۳۹۰)، «قوانین و آئین پاتیمککه (پراتی موکشه) در رهبانیت بودایی»، پژوهشنامه ادیان، شماره ۹، ص ۶۹-۸۶.
۴۶. عیاشی، محمدبن مسعود (۱۳۸۰ق)، تفسیر العیاشی، تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه.
۴۷. فاضل جواد، جوادبن سعید (۱۳۶۵)، مسالک الأفهام إلى آیات الأحكام، تهران: نشر مرتضوی.
۴۸. فخر رازی، محمدبن عمر (۱۴۲۰ق)، مفاتیح الغیب (تفسیر الکبیر)، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۹. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، العین، قم: مؤسسه دار الهجرة.
۵۰. فضل الله، سید محمدحسین (۱۴۱۹ق)، من وحی القرآن، بیروت: دار الملائک.
۵۱. فیض کاشانی، محمدبن شاه مرتضی (۱۴۱۸ق)، الأصفی فی تفسیر القرآن، قم: مرکز النشر التابع لمکتب الاعلام الإسلامی.
۵۲. فیض کاشانی، محمدبن شاه مرتضی (۱۴۱۵ق)، تفسیر الصافی، تهران: مکتبه الصدر.
۵۳. قمی مشهدی، محمد (۱۳۶۸)، تفسیر کز الدقائق و بحر الغرائب، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۵۴. قونوی، اسماعیل بن محمد (۱۴۲۲ق)، حاشیه القونوی علی تفسیر الإمام البیضاوی، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۵۵. کهن، آبراهام (۱۳۸۲)، گنجینه‌ای از تلمود، ترجمه امیر فریدون گرگانی، ترجمه و تطبیق با متون عبری یهوشوع تن الی، زیر نظر یهودا حی، تهران: نشر اساطیر.
۵۶. کاشانی، فتح‌الله بن شکرالله (۱۴۲۳ق)، زبدة النفاذ، قم: تحقیق و نشر بنیاد معارف اسلامی.
۵۷. ماتریدی، محمدبن محمد (۱۴۲۶ق)، تأویلات أهل السنة، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۵۸. ماوردی، علی بن محمد (بی‌تا)، النکت و العیون، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۵۹. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۶۰. مدرسی، محمدتقی (۱۴۱۹ق)، من هدی القرآن، تهران: دار محیی الحسین.
۶۱. مراغی، احمد مصطفی (بی‌تا)، تفسیر المراغی، بیروت: دار الفکر.
۶۲. مطهری، مرتضی (۱۳۷۷)، مجموعه آثار، قم: صدرا.
۶۳. معلوف، لوئیس (۲۰۰۰)، المنجد فی اللغة، بیروت: دار المشرق.
۶۴. مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۴ق)، التفسیر الکاشف، قم: دار الکتب الإسلامی.
۶۵. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۶۶. مهدی‌زاده، علی (۱۳۷۰-۱۳۷۱)، «سیر زهد و عرفان در دین یهود»، مقالات و بررسی‌ها، شماره ۵۱ و ۵۲، ص ۱۶۱-۱۸۶.
۶۷. میدی، احمدبن محمد (۱۳۷۱)، کشف الاسرار و عدة الابرار، تهران: امیرکبیر.
۶۸. میرانی، ارسطو (۱۳۹۰)، «جان میلتون و اخلاق زناشویی مسیحی»، پژوهشنامه ادیان، شماره دهم، ص ۱۵۱-۱۷۴.
۶۹. نجفی، محمدحسن (۱۳۶۵)، جواهر الکلام، طهران: دار الکتب الإسلامیه.
۷۰. نهاوندی، محمد (۱۳۸۶)، نفحات الرحمن فی تفسیر القرآن، قم: موسسه البعثة.
۷۱. واحدی، علی بن احمد (۱۴۱۵ق)، الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز، بیروت: دارالقلم.
۷۲. وجدی، محمدفرید (بی‌تا)، دائرةالمعارف القرن العشرين، بیروت: دارالفکر.